

بررسی فنوسمانتیک در سوره الانبیاء براساس تحلیل زبانی

مهری فرشادی^۱، دل آرا نعمتی پیرعلی^۲، سوسن آل رسول^۳، تهمنه پارسایی^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۹)

چکیده

معناشناسی آوایی یا فنوسمانتیک یکی از حوزه های مطالعاتی پایه در زیانشناسی محسوب می شود که تناسب میان متغیرهای فونتیکی و سمانتیک را مورد بررسی قرار می دهد. آواها با آهنگ خاصی که به کلمات می دهند نقش مهمی را در انتقال پیام متن ایفاء می کنند از اینرو توجه به تناسب میان آوا و معنا در زمره پژوهشهای نوین علمی بوده و ابزار مناسبی برای مطالعات معناشناسی در قرآن کریم محسوب می شود. این ضرورت تحقیق موجب شده که ارتباط آوایی-معنایی در سوره الانبیاء به شیوه تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و در این بررسی ضمن ملاک قرار دادن سیاقها و بررسی فنوسمانتیک آیات و الفاظ کلیدی در هر سیاق و کشف موضوع اصلی سیاقها و موضوع کانونی سوره، چنین به دست آمده است که موضوع کانونی سوره الانبیاء ربوبیت و انسان است و موضوع محوری هر سیاق در ارتباطی تنگاتنگ با این موضوع کانونی قرار دارد و این ارتباط غرض سوره را که عبارت است از اصلاح بینش و کنش انسان در رابطه با ربوبیت الله، برآورده می کند. بررسی صفات ذاتی حروف در الفاظ آیات کلیدی هر سیاق، بیانگر آن است که لحن سریع و کوبنده، همچون سوز مکی، لحن غالب در سوره الانبیاء است و در بعضی از سیاقها لحن سخن نرم است، زیرا تبیین و تذکر و اصلاح بینش و کنش کفار و مشرکین از سویی لحن کوبنده را می طلبد و از سوی دیگر لازمه تبیین و تأیید بینش و کنش بندگان صالح و نحوه تعامل خداوند با آنان، لحنی نرم می باشد. فنوسمانتیک در سوره الانبیاء حاکی از این است که میان الفاظ و آواها و موضوع و پیام اصلی سوره هماهنگی کامل وجود دارد.

کلید واژه ها: سوره الانبیاء، موضوع کانونی، ربوبیت، فنوسمانتیک، تحلیل زبانی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

farshadi.mehri@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)؛

dlrnemati@gmail.com

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛

s_alerasoul@kiauo.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛

ptahminaa@yahoo.com

۱- بیان مسأله

زبان‌شناسی دانشی است که بطور علمی نحوه کارکرد زبان را توجیه می‌کند و دارای رویکردها و مکاتب مختلفی می‌باشد از جمله فرمالیسم که در نقد یک اثر ادبی به شکل و ساختار آن اهمیت می‌دهد. مفهوم شکل در نزد فرمالیستها ساختاری یکپارچه از همه اجزای یک متن است مانند وزن عروضی، قافیه، ردیف، هجاها، صامتها، مصوتها و صنایع مختلف بیانی و بدیعی دیگر، از این‌رو در نزد فرمالیستها شکل، محتوا می‌آفریند. این مطلب را زبان‌شناسی ساختارگرا توسعه و گسترش داده و هر جزء را در ارتباط با کل بررسی کرده و آنرا جزئی از ساختار کلی می‌شمارد. نظریه نظم جرجانی نیز قرن‌ها پیش از این مطالعات نوین، به ارتباط لفظ - معنا تاکید کرده است در تعبیر امروزی این نظریه می‌توان گفت که هر واحد کلامی به معنایی خاص دلالت می‌کند پس زبان در نگاه جرجانی نیز نظامی از ارتباطات است. این نظام ارتباطات در سطوح مختلف از جمله سطح آوایی قابل پی‌گیری و ردیابی می‌باشد. توجه به شگردهای زبانی از جمله شگردهای آوایی و تاثیر آنها در دلالت‌های معنایی از دیرباز از سوی زبان‌شناسانی همچون جرجانی مطرح شده است

نخستین کسی که به بررسی و تحلیل مسائل آوایی پرداخت «خلیل بن احمد فراهیدی» در کتاب «العین» است. پس از او مصطفی صادق رافعی در «الاعجاز القرآن و البلاغه النبویه» (۱۴۲۱ق) و سید قطب در «التصویر الفنی فی القرآن» (۱۴۱۵ق) به بعد زیباشناختی و موسیقایی آواها پرداخته‌اند. در این راستا اندیشمندانی چون «ابن جنی» در کتاب «الخصائص» به ویژگی‌های روان‌شناختی آواها و رابطه ذاتی صوت با معنای واژه پرداخته و سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن تحت عنوان «ائتلاف لفظ و معنا» به گوشه‌هایی از آن اشاره نموده است. این بحث تحت عنوان برجسته سازه‌های آوایی در زبان‌شناسی نوین نیز مورد توجه قرار گرفته است لذا بیان هماهنگی‌های آوایی - معنایی در قرآن کریم مسأله بسیار مهمی است که هماهنگی نظریه‌های زبان‌شناسی کهن و نوین را نیز به نمایش

می‌گذارد. در مجموع از نقش آوا در انتقال معنا در قرآن کمتر سخن گفته شده است.^۱ مسأله این تحقیق، کشف و تبیین نظام ارتباطات آوایی - معنایی در سوره الانبیاء می‌باشد در مورد تناسب آوا با محتوا در سوره الانبیاء و هماهنگی آن با غرض سوره مقاله یا پایان‌نامه‌ای نگارش نشده است. این پژوهش سعی دارد، به نقش معنایی آواها در آیات کلیدی سیاق‌های سوره الانبیاء پرداخته و علاوه بر نمایان کردن جنبه‌ای از اعجاز قرآن، درصد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد که: آواها در تولید معنا در سوره الانبیاء چگونه عمل می‌کنند؟ چگونه دانش فنوسمانتیک به کشف زیبایی‌های درونی سوره الانبیاء کمک می‌کند؟ و چه ارتباطی بین آواها و موضوع کانونی سوره الانبیاء برقرار است؟ روش نگارش این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در ابتدا سیاق‌های سوره الانبیاء مورد بررسی قرار گرفته و پس از کشف موضوع محوری سوره به تحلیل آوایی سیاق‌ها با تکیه بر آیات کلیدی پرداخته است.

۲- فنوسمانتیک^۲

در مطالعات معاصر فنوسمانتیک که همان معناشناسی آوایی است مورد تأکید اندیشمندان قرار گرفته است. آواها با موسیقی و آهنگ خاصی که به واژگان می‌دهند قادرند در سخنان ادبی نقش مهمی را در انتقال پیام برعهده بگیرند. علاوه بر جنبه زیباشناختی موسیقی آواها، امروزه جنبه‌ی دیگری از نقش آواها در انتقال پیام مورد توجه

۱. پایان‌نامه سبک‌شناسی ادبی سوره مبارکه دخان نوشته سوسن حق‌جو که به تحلیل سوره دخان در سطوح آوایی، واژگانی و نحوی پرداخته است. پایان‌نامه ارتباط آوایی - محتوایی (فنوسمانتیک) در قرآن نوشته سجاد شفیع‌پور بروجنی، که به معناشناسی آوایی از جمله آوای درونی و بیرونی در قرآن پرداخته است و همچنین مقالات سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه «نبا» (لایه نحوی، آوایی، واژگانی) نوشته مهرانگیز خدابخش‌نژاد و قاسم اناری، ابراهیم اناری، محمود شهبازی، که به بررسی ویژگی‌های بارز سبکی سوره «نبا» در سه لایه نحوی، آوایی و واژگانی پرداخته است. تناسب آوایی محتوایی (فنوسمانتیک) در آیات قرآن با بررسی مواردی از سوره واقعه و کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات) نوشته ابراهیم فلاح و سجاد پوردانش، که به تناسب آوایی - محتوایی در قرآن در سه دسته تناسب در واژه، تناسب در آیه و تناسب در آیات با سیاق معنایی بررسی شده است در مقاله بررسی لایه‌ی آوایی سوره مبارکه‌ی «الانبیاء» از منظر سبک‌شناسی نوشته مینا پیرزادینیا، مالک عبدی و راضیه قاسمی به شاخصه‌های سبک‌ساز تکرار و جناس در این سوره پرداخته شده است.

2. Phono-semantic

ویژه قرار گرفته است که «فئوسمانتیک» نام دارد (فراستخواه، ۱۶۵). در علم فئوسمانتیک این مطلب اثبات می‌شود که آواها عناصر بی‌مفهوم و بی‌ارتباط بامعنا نیستند بلکه متغیرهایی هستند با مدلول‌های معنایی که برای ایجاد سطوح مختلف معنایی بکار می‌روند و با تصویرسازی ذهنی از حالات و صفات گوینده، در ارتباط‌اند. (فلاح و پوردانش، ۱۲۹) یکی از شیوه‌های برجسته‌سازی در کلام بهره‌گیری از شگردهای آوامعنایی است. (قهرمانی‌نژاد و جاوری، ۱۲۸)

۳- تحلیل زبانی متن و قواعد آن

تحلیل یعنی بررسی اجزائی که در درون یک کل قرار گرفته‌اند از حیث نوع عملکرد و کارکردشان. (پاکتچی، ۱۴۵-۱۴۶) برای پی بردن به عملکرد دقیق اجزاء، ضرورت دارد که هدف متن کشف شود زیرا تمام اجزای یک کل درصدد تامین هدف آن کل می‌باشند بنا بر این یافتن هدف متن، راه مناسبی برای یافتن نوع و نحوه عملکرد هر جزء از آن متن است. برای بررسی دقیق نحوه عملکرد اجزاء یعنی حروف و الفاظ در متن قرآن کریم، لازم است که ابتدا غرض و هدف سوره مورد شناسایی قرار بگیرد.

کشف غرض سیاقها و توجه به مفهوم مشترک بین آنها، توجه به عناصر درون متنی و توجه به عناصر برون متنی مهمترین قواعد کشف غرض سوره هستند (خامه‌گر، ۶۸). الفاظ به‌عنوان عناصر درون متنی از جهات مختلف قابل بررسی هستند از جمله از جهت واژه‌گزینی و نیز از جهت نحوی، اما در این مقاله الفاظ به‌عنوان عناصر درون متنی از حیث آوا و دلالت‌های آوائیشان مورد توجه قرار می‌گیرند و در واقع آیات کلیدی در هر سیاق با توجه به الفاظ کلیدی موجود در آنها مورد تحلیل آوایی قرار گرفته و دلالت آوایی آنها کشف می‌شود.

۴- آوای الفاظ و دلالت معنایی

۴-۱. آوای الفاظ و انواع آن

مطالعه علمی آواهای زبان که توانایی تولید آوا در انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد،

آواشناسی می‌گویند. (صفوی، ۳۹) آواها به دو گروه همخوان و واکه تقسیم می‌شوند. همخوان یا صداهای ساکن یا صوت صامت، صوتی است که در هنگام تولید آن، هوا در نقطه‌ای از اندامهای گویایی با مانع برخورد می‌کند و یا مجرای عبور هوا تنگ می‌شود و سایش ایجاد می‌کند. (ستوده‌نیا، ۴۹) صداهای صامت، صداهای مجهور یا مهموس را گویند که هنگام تلفظ و تولید، مخرج و محل تولید معینی در دستگاه تکلم دارند و تمایز آنها از یکدیگر به خاطر همین متفاوت بودن مخرج و صفات آنهاست. (مدرسی قوامی، ۵۵) واکه همان مصوت، صداهای کوتاه و کشیده مجهوری هستند که در حین تولید، تکیه‌گاه و مخرج خاصی در دستگاه تکلم ندارند یعنی وقتی هوا از شش‌ها خارج شد تارهای صوتی را مرتعش می‌کند و به موازات حالت گرفتن دهان و چگونگی حالت آن، صدایی شنیده می‌شود. (علامی، ۶۶/۱) بنابراین واکه‌ها همگی واکدار (مجهور) هستند اما همخوانها ممکن است برخی از آنها واکدار و برخی بی‌واک باشند. (مدرسی قوامی، ۵۵) آواهای همخوان (صامت‌ها) در زبان عربی «حروف» و «واکه‌ها» فتحه، ضمه و کسره هستند.

۴-۲. صفات حروف

ویژگی و خصوصیتی را که در تلفظ هر صوت وجود دارد «صفات حروف» گویند. هر کدام از حروف عربی، دارای اوصاف خاصی هستند. این ویژگی، باعث می‌شود تا اصواتی که در جایگاه تولید با هم مشترک هستند، دارای کیفیت صوتی متفاوت و متمایز باشند. در علم تجوید، برای هر یک از حروف عربی صفات متعددی، بیان شده است که به اعتبارهای گوناگون می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. (ستوده‌نیا، ۷۲) این صفتها که صفت اصلی و ذاتی حروف بوده و هرگز از آنها جدا نمی‌شوند ده تا هستند که دویه‌دو، متضاد و در یک حرف قابل جمع نیستند، که عبارتند از: «جهر - همس، شدت - رخوت، استعلاء - استفال، اطباق - انفتاح، اصمات - اذلاق» (فلاح، ۳۳) صفات فرعی (غیرمتضاد)، هشت صفت است که اهمیت بیشتری دارند، که عبارتند از: قلقله، صغیر، خفاء، لین، انحراف، تکریر، تفشی و استطاله. (ابن‌الجزری، ۲۰۵/۱)

۴-۳. لحن و ریتم

«لحن در ادبیات، عبارت از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت به محتوای پیام ادبی است که با تکیه بر دیگر عناصر شعر از قبیل قالب شعر، معنی اصلی و ضمنی واژه‌ها، عبارت‌های برجسته، ساختمان جمله‌ها، وزن، هجاهای شعر، تصاویر توصیفی و صور خیال شکل می‌گیرد... به گونه‌ای که می‌توان گفت: عدم درک صحیح لحن یک شعر یا نثر ممکن است خواننده را در درک ساختار متن و برقرار کردن رابطه بین اجزای متن یا اثر گمراه کند و از دریافت مفهوم و مضمون اثر بازدارد.» (عمران‌پور، ۱۲۷) بنابراین، منظور از لحن کلام در کلام مکتوب، نحوه گزینش و چینش کلمات است که به واسطه دلالت‌های آوایی، بار معنایی خاصی را با خود به کلام می‌افزاید و در کشف مقصود گوینده بسیار موثر است (رجبی، ۱۳۹).

بررسی لحن یک متن که براساس دلالت‌های آوایی امکان‌پذیر است، تاثیر بسزایی در القا مفهوم مورد نظر به مخاطب داشته، دریچه‌های دقیق‌تری را پیش روی مفسر قرار می‌دهد. (فلاح و شفیع‌پور، ۴۷)

ضرب آهنگ در فارسی، ایقاع در عربی و ریتم در لاتین واژگانی معادل هم می‌باشند. از نظام آوایی و موسیقایی قرآن در علوم قرآنی با عنوان نظم آهنگ قرآن یاد می‌شود. ریتم یا نظم آهنگ، آهنگ حاصل از کیفیت گزینش و چینش همخوانها (حروف)، واکه‌ها (حرکات)، مدّها و برخی صنایع لفظی در متن می‌باشد (خرقانی، ۷) در قرآن کریم کیفیت گزینش و چینش این عناصر، ریتم‌های متعددی را تولید می‌کند که عبارتند از:

الف- ریتم نرم، غالباً در موضع دعا و التجاء بنده به خداوند (الکواز، ۳۰۵) مشهود است چرا که در آن دلها آماده ارتباط و خشوع گشته، در فضای تقدیس و تنزیه و قدرت مطلق آرامش می‌گیرند. (صبحی صالح، ۳۲۸/۱) این نوع ریتم، دربردارنده واکه‌های کشیده، مدّ لّین، همخوان‌های نرم و آرام، پیوستگی آوایی و صنایع لفظی همچون جناس است. (زیبایی و حسینی، ۷۷)

ب- ریتم کند و منقطع، آیات احکام چنین ریتمی دارند، چون خداوند مسائل عبادی و معاملات را به تفصیل بیان کرده است. در این نوع از آیات متانت و کندی در ریتم سبک

مشاهده می‌شود، چون مراد از آن آموزش دادن به مردم و تفهیم جزئیات امور است. این امر به بیان آرام و ریتم کند که با آن تناسب دارد صورت می‌گیرد. (الکواز، ۳۰۵)

ج- ریتم تند یا سریع، معمولاً این ریتم در آیاتی بکار رفته است که مشتمل بر عنصر سرعت و هیجان هستند همچنین آیات مشتمل بر مفهوم تحقیر و یا توصیف احوال قیامت نیز از این ریتم بهره برده‌اند. (فلاح و شفیع‌پور، ۹)

د- ریتم کوبنده، به‌کاربردن همخوان‌های انفجاری و سنگین، استفاده زیاد از تشدید و به‌کارگیری واکه‌های کوتاه، ریتم کوبنده را به وجود می‌آورد و غالباً مفاهیم تهدید و توبیخ و شدت عمل را القاء می‌کند (زیبایی و حسینی، ۸۰) بیشتر آیات قسم نیز بر این ریتم هستند. (الکواز، ۳۰۶)

با تدبیر در آیات سوره الانبیاء می‌توان اذعان داشت، لحن غالب در سوره الانبیاء، سریع و کوبنده است، زیرا به مباحثی همچون، معاد (آیه ۱)، تهدید (آیه ۶)، و نابودی برخی از امم پیشین، قوانین جهان، درهم شکستن باطل (آیه ۱۸)، مرگ حتمی همه انسانها (آیه ۳۵)، صحنه‌های قیامت (آیه ۱۰۴)، حسابرسی... اشاره دارد.

اما در بخشی از آیات سیاق چهارم و پنجم، که به نحوه زندگی انبیاء و تعامل خداوند با آنان می‌پردازد، فراوانی واکه‌های کشیده، مد لین، همخوان‌های نرم و آرام، پیوستگی آوایی، ریتم آیات کند و نرم می‌شود. (الانبیاء، ۸۹، ۸۳)

۵- ساختار موضوعی سوره الانبیاء

در این سوره نام ۱۶ تن از پیامبران الهی به‌طور صریح و از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و عیسی علیه‌السلام بدون تصریح به نامشان سخن رفته است، از همین روی به «الانبیاء» موسوم شده است (فیروزآبادی، ۳۱۷/۱). براساس تقسیم‌بندی علامه در المیزان سوره الانبیاء دارای ۶ سیاق می‌باشد؛ سیاق اول از آیه ۱ تا ۱۵ است که به موضوعاتی پیرامون ربّ و ارسال رسل، نزول کتب آسمانی، هدایت به ذکر و هلاکت به دنبال ظلم اشاره شده

است. سیاق دوم از آیه ۱۶ تا ۳۳ است که در آن به مباحثی درباره هدف خلقت، کمال بشر، وحی و نبوت، سنن الهی از جمله پیروزی و نجات رسولان و مومنان، هلاکت و نابودی ستمکاران، اشاره شده است؛ سیاق سوم از آیه ۳۴ تا ۴۷ است که در آن از مرگ، رجعت بسوی خداوند، عدم جاودانگی، وقوع قیامت و حسابرسی و نقصان زمین، عجز بودن انسان نسبت به قیامت و حسابرسی و مباحثی پیرامون آن اشاره می‌کند. سیاق چهارم از آیه ۴۸ تا ۷۷ است که در آن نزول قرآن و مقایسه آن با کتب پیشین، داستان پیامبران و کوشش آنان در انجام رسالت الهی، مقام امامت و رهبری آنان، مصائب و گرفتاری آنان در این راه و موهبت‌های اعطایی خداوند به آنان را یادآور می‌شود. سیاق پنجم از آیه ۷۸ تا ۹۱ است که به نحوه زندگی انبیاء در میان مردم و کنش‌های آنها می‌پردازد و در قبال آن افاضات و مواهب الهی نیز مطرح می‌شود. سیاق ششم از آیه ۹۱ تا ۱۱۲ می‌باشد که در آن مطالب سیاق‌های پیشین جمع‌بندی شده، و اشاره به سرانجام جهان داشته و نوید حکومت بندگان صالح بر گستره هستی را به همگان می‌دهد.

۶- تحلیل آوایی در سوره الانبیاء

در این قسمت، برای دستیابی و تعیین موضوع محوری، عنوان و آیات کلیدی هر سیاق از قواعد کشف غرض سوره استفاده کرده، سپس به تحلیل آوایی آیات کلیدی هر سیاق، با توجه به موضوع محوری سیاق و سوره پرداخته شده است.

۶-۱- تحلیل آوایی در سیاق اول: ربّ و سنت‌های ربوبی

این سیاق اول شامل آیات ۱ تا ۱۵ است که در اولین آیه، «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» با لحنی کوینده خبر از قریب بودن حسابرسی مردم و اعراض کفار و مشرکین می‌دهد. در ادامه کافران غافل و بی‌توجه به رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را تهدید می‌کند و اتهام ساحری و شاعری را از او واهی می‌خواند و تأکید می‌کند که در

گذشته نیز پیامبران را فرستادیم و وعده‌های خود را نسبت به آنان عملی کردیم. سپس به یکی از سنت‌های خود مبنی بر پیروزی و نجات رسولان و مومنان و هلاکت و نابودی اقوام مسرف و ستمکار، اشاره می‌کند. باتوجه به این مطالب آیه ۲ «مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» آیه کلیدی می‌باشد، زیرا «ربوبیت» الهی را همراه با «وحی»، «ذکر» و انسان و عملکرد او در قبال وحی یک‌جا مطرح کرده است. آیه ۷ «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، هم آیه کلیدی محسوب می‌شود زیرا در آن از یکی از سنت‌های الهی مبنی بر ارسال رسل و وحی و اهل‌الذکر سخن گفته است. با توجه به آیات کلیدی، واژه‌های «رب»، «ذکر»، «نوحی» و «اهل‌الذکر» کلمات کلیدی و «ربوبیت و سنتهای ربوبی» مطلب کانونی سیاق و سوره می‌باشد، لذا عنوان «رب و سنتهای ربوبی» برای سیاق اول عنوان مناسبی می‌باشد.

خداوند سبحان موضوع سنتهای ربوبی را با تکرار زیاد حروف «کاف» و «تاء» با صفت جهر و شدت، «قاف» و «با» با صفت قلقله به معنای اضطراب، تحرک و جنبش شدید (ستوده‌نیا، ۷۸) و همخوان «سین» با خاصیت صغیر (ابن الجزری، ۸۹) بخوبی بیان کرده است. در این سیاق قوانین آفرینش و سنت‌های ربوبی با حروف مجهور و شدید بیان شده تا در مخاطب تاثیر بیشتری داشته باشد. آیه ۷ «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» با لحنی محکم و قاطع، به بشر بودن پیامبر و عدم تناقض آن با نبوت (طباطبایی، ۳۵۶/۱۴) اشاره نموده و برای تفهیم این موضوع مشرکان را به «اهل‌الذکر» ارجاع می‌دهد. تکرار یازده مرتبه‌ای همخوان «لام»، که همخوانی روان و واکدار، مجهور، دارای صفت بین شدت و رخوت است (عبدالشکور، ۳۴) در راستای مفهوم آیه است. تکرارش مرتبه‌ای همخوان «نون» که یک همخوان خیشومی واکدار و دارای خصیصه صمیمیت و انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، موضوع وحی و نبوت را با لحنی سرشار از صمیمیت ولی با منطقی محکم القا می‌کند. این آواها به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «رب» و «رسل» و سه مرتبه تکرار واژه «ذکر»، در این سیاق، در راستای موضوع سیاق، یعنی رب و سنتهای ربوبی می‌باشد.

۶-۲. تحلیل آوایی در سیاق دوم: ربوبیت الهی و کمال انسان

سیاق دوم شامل آیات ۱۶ تا ۳۳ است که درصدد بیان هدف خلقت و نفی قاطع شرک است. سپس با لحن قاطعی برای ابطال اوهام بی‌خردان می‌فرماید: «بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (الانبیاء، ۱۸) سپس به عبادت و تسبیح بی‌وقفه فرشتگان اشاره کرده، و در پی آن به شبهه مشرکان مبنی بر فرزند بودن فرشتگان پرداخته و با یک برهان قاطع به نفی شرک آنها می‌پردازد سپس اشاعه توحید و عبادت خدای یگانه را رسالت همه پیامبران معرفی نموده است. یکی از مهمترین آیات کلیدی در این سیاق آیه ۱۸ «بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» می‌باشد که به یکی از سنتهای الهی مبنی بر غلبه جبهه حق بر باطل پرداخته است. آیه ۲۲ «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» با یک برهان قاطع، شرک را نفی و آیه ۲۴ «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مِنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ» از مشرکین برای شرک شان دلیل و برهان می‌طلبد و بدنبال آن به وحدت هدف رسولان اشاره می‌کند. آیه ۲۵ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُون» آیه کلیدی دیگر می‌باشد که به رسالت مشترک انبیاء که اشاعه توحید است می‌پردازد. در این آیه «رسول» و «وحی» تکرار شده که در سیاق قبل هم ذکر شده بود.

بنابراین کلمات کلیدی این سیاق، «تقذف»، «عرش»، «فاعبدون»، «ذکر» و «رب» است که با موضوع کانونی این سیاق، ربوبیت و سنتهای الهی و مساله هدایت و کمال انسان ارتباط تنگاتنگ دارد. در این سیاق هم، واژه «رب»، «ذکر» و «وحی» تکرار شده است. با توجه به مطالب این سیاق که مباحثی پیرامون هدف خلقت، سنن الهی، کمال بشر، وحی و نبوت است، می‌توان مطلب کانونی این سیاق را «ربوبیت و کمال انسان» نامید. خداوند سبحان برای تاکید بر هدفمندی خلقت، نفی قاطع شرک، ارسال رسل، حقیقت معاد، سنتهای الهی مبنی بر درهم شکستن باطل در این سیاق از همخوان‌های، «باء»، «قاف»، «دال»، «تاء» و

«کاف»، بیشتر استفاده فرموده، زیرا دارای صفت صلابت و شدت و کوبندگی می‌باشند (عباس، ۶۶) آمدن این حروف به همراه تشدید زیاد، این موضوعات مهم را در ذهن مخاطب حک می‌کند. این آواها به همراه تکرار سه مرتبه‌ای واژه «عبد» و دو مرتبه‌ای «ذکر»، بر موضوع کانونی سیاق، «ربوبیت الهی و کمال انسان» تاکید می‌کند. همچنین شکست جبهه باطل را، در آیه ۱۸ «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» با استفاده از حرف مکرر «قاف» بیان فرموده که از حروف شدت است و در هنگام ادای آن از غایت شدت و قوت، صوت و نفس حبس می‌شود و تا محل خروج آن را درهم نشکنند، صوت خارج نمی‌گردد. (عباس، ۱۴۲) تکرار همخوانهای مذکور به همراه استعاره (سیوطی، ۵۳/۲، ابن عاشور، ۲۵/۱۷) «نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ» (الانبیاء، ۱۸)، بخوبی توانسته است، ترس، وحشت، اضطراب و اضمحلال باطل را به شکلی هنرمندانه، تصویرسازی کند. در جمله «فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» دو واج «و» و «فاء» که بیانگر بی‌رمقی و ضعف (معرفت، ۱۳۷) هستند، القاکننده این معناست که، پرتاب تیرهای حق بر باطل، سبب بی‌رمقی و ضعف آنان شده، درهم کوبیده و نابودشان کرده است. این آواها با شیوه‌ای هنرمندانه بیانگر یکی از قوانین و سنت‌های آفرینش مبنی بر «اصالت حق و عارضی بودن باطل» (قطب، ۲۳۷۵/۴) است. این نحوه بیان در راستای موضوع کانونی سوره و سیاق، مبنی بر ربوبیت و کمال انسان است. در آیه ۲۲ «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»، خداوند با بیانی منطقی و محکم، با برهان تمناع، مشرکین را به توحید فرامی‌خواند. انحراف فکری آنان با تکرار ۱۰ مرتبه‌ای حرف «لام»، که صوتی انحرافی (السعران، ۱۴۱/۱) است، بیشتر نمایان می‌شود. علاوه بر این، با استفاده از حروف «سین» و «صاد» که دارای خاصیت صوتی‌اند (عباس، ۱۴۷) مشرکین را به چالش منطقی و مناظره می‌خواند. همچنین حرف «شین»، با خاصیت تفشّی به معنی انتشار، گسترش و فراگیری (عبدالشکور، ۳۹) به زیبایی غیرقابل وصف، معنای «ربّ العرش» را که سراسر گیتی را فراگرفته القا می‌کند. علاوه بر موارد مذکور، لفظ

جلاله «الله» هم دو بار تکرار شده که علاوه بر زیبایی آیه، باعث تثبیت معنی و مفهوم توحید، در قلب و دل شنونده است. این ترکیب آوایی به همراه تکرار نام جلاله «الله»، در راستای موضوع کانونی سیاق می‌باشد. آیه ۲۴ «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ» با استفاده از استفهام انکاری «أَمْ» و بکارگیری فعل امر «قُلْ» و التفات از مخاطب به غایب و دوباره بازگشت به خطاب، با لحنی تند، به محکوم کردن و توبیخ مشرکین پرداخته و با همان لحن، در مقام مخاصمه با مشرکین برآمده است. تکرار ۱۰ مرتبه‌ای همخوان «میم» که دارای ویژگی جمع کردن و بستن، گسترش و امتداد، مکش و انفتاح (عباس، ۷۱) است در صدد القا این معناست که خداوند مباحث مشرکین، که در میان آنان در حال گسترش بوده را جمع کرده و با استدلال محکم و قوی دهان آنها را بسته، از آنان طلب برهان می‌کند. این آواها به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «ذکر» در راستای مفهوم کانونی سیاق، ربوبیت و کمال انسان می‌باشد. همچنین تکرار ده مرتبه‌ای حرف «لام» در آیه ۲۵ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» که صوتی انحرافی (السعران، ۱۴۱/۱) است، بیانگر عقاید باطل و انحرافی مشرکین است. همچنین همخوان «نون» بین شدت و رخوت (علامی، ۱۴۳) و همخوان «سین» با خاصیت صغیر (عباس، ۱۱۰) در راستای مفهوم آیه مبنی بر هدف ارسال رسل و وحی الهی است، زیرا بکارگیری حرف «سین» نشانگر علنی و جهانی بودن این امر و حرف «نون» نحوه تحقق آن را نشان می‌دهد. علاوه بر این، تکرار حرف «إِلَّا» در این آیه، نشانه تاکید بر دو موضوع مهم است، در اولی برای تاکید زیاد بر اینکه، به طور قطع و یقین، سخنان پیامبران وحی الهی است و در دومی تاکید بر توحید است. تکرار حرف «من»، سرعت کلام را گرفته تا در نهایت متانت و تعمق بیشتر، دعوت به توحید انجام پذیرد. ضمناً بین دو واژه «أَرْسَلْ» و «رَسُول» جناس اشتقاق وجود دارد (زحیلی، ۲۴۱/۲). این شگرد به زیبایی ظاهری متن کمک شایانی کرده و سبب برجستگی کلام شده است. در واژه «رسل»، حرف «لام» همخوانی روان و واگذار (عبدالشکور، ۳۴)

آهنگ آن نرم و گوش‌نواز، «س» خاصیت صفیر (ابن‌الجزری، ۸۹) و «راء» صفت تکریر دارد (سادات فاطمی، ۲۲)، این ویژگی‌ها و تکرار آن علاوه بر زیبایی‌آوایی، سبب شده تا خداوند تکرار ارسال رسل و وحی الهی و وحدت هدف آنان را با انتخاب چنین جناسی به زیبایی القا فرماید. این شگرد مفهوم سیاق را مبنی بر ربوبیت و کمال انسان، دو چندان می‌کند.

۳-۶. تحلیل آوایی در سیاق سوم: ربوبیت و معاد

در این سیاق که از آیه ۳۴ تا ۴۷ را دربرمی‌گیرد، به پاره‌ای از شبهات مشرکین و بهانه‌جویی‌های آنان درباره رسول خدا (ص) پاسخ می‌دهد «وَمَا جَعَلْنَا لِشَرِّ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ» (الانبیاء، ۳۴). یکی از آیات کلیدی این سیاق آیه ۳۵ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» است که در آن، قانون کلی مرگ را، با لحنی کوبنده و بدون استثناء بازگو می‌کند و سپس به مسأله کیفیت حیات انسان در فرصت عمر می‌پردازد. آیه دیگر آیه ۳۷ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ»، است که اشاره به استعجال در عذاب اخروی مشرکان دارد خداوند این استهزاءهای مکرر را، استعجال عذاب شمرده و خبر داده که به زودی آیات عذاب را نشانسان می‌دهد. آیه کلیدی دیگر آیه ۴۴ «بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» است، که به عدم پایداری جهان و نعمت‌هایش اشاره می‌کند. در این سیاق با الفاظ مختلف به مرگ، رجعت بسوی خداوند، عدم جاودانگی، وقوع قیامت و حسابرسی و نقصان زمین، عجل بودن انسان نسبت به قیامت و حسابرسی، اشاره شده است. همچنین واژه‌های «ذکر»، «رب»، «رسول»، «وحی» تکرار شده است. با توجه به آیات کلیدی، واژه‌های «خُلْد»، «ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»، «عَجَل»، «فِتْنَةً»، «نَأْتِي الْأَرْضَ»، «نَنْقُصُ» کلمات کلیدی سیاق و «ربوبیت و معاد» مطلب کانونی سیاق می‌باشد، لذا این عنوان برای سیاق سوم عنوان مناسبی خواهد بود. خداوند برای القای این موضوع در این سیاق از همخوان‌های، «باء»، «کاف»، «قاف»، بیشتر استفاده فرموده، زیرا دارای صفت صلابت و

شدت و کوبندگی می‌باشند، آمدن این حروف به همراه تشدید زیاد، قطعیت مرگ، عملکرد انسان در قبال حق، عذاب و حسابرسی قیامت را برجسته‌تر می‌کند. این آواها به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «رب»، «ذکر»، «خُلد» و «عَجَل»، در راستای القای پیام سیاق مبنی بر ربوبیت و معاد بوده‌اند. در آیه ۳۵ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةٌ وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»، مرگ حتمی انسانها را با استفاده از تکرار همخوان «نون» با ویژگی بین شدت و رخوت (ابن‌الجزری، ۱۴۳) و صوت انفجاری «تاء» (الحمد، ۲۸۷)، بیان می‌کند. علاوه بر این، با استفاده از حرف تاکید «کَلَّ» و استعاره (صافی، ۲۷/۱۷) «ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» چشیدن مرگ و ابتلا به خیر و شر، و رجعت بسوی خداوند را با قاطعیت ترسیم می‌کند. از طرف دیگر تکرار حرف «و»، تاکید و تأمل بر مراحل مختلف این سیر را گوشزد می‌کند. مجموع این مباحث، در راستای مفهوم کانونی سیاق «ربوبیت و معاد» می‌باشد. در آیه ۳۷ «خُلِقَ الْاِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ»، حروف «عین»، «جیم»، «قاف» دارای صفت جهر، به معنی قوت، آوای بلند و آشکار (ستوده‌نیا، ۷۳) بوده که هنگام خروج همراه با حبس شدن نفس می‌باشد. (عبدالشکور، ۳۳) تکرار این حروف، از طرفی، معنای مورد نظر آیه را مبنی بر درخواست نابخردانه استعجال مشرکین در عذاب را می‌رساند و از طرف دیگر درصدد مذمت این رذیله اخلاقی و حتمی بودن عذاب مشرکین است. علاوه بر این، تکرار هدفمند واژه «عَجَل» هم باعث موسیقی و زیبایی کلام شده و هم زشتی این صفت را برجسته می‌کند. علاوه بر این، بین «عَجَل» و «تَسْتَعْجِلُونِ»، جناس اشتقاق برقرار است. لفظ «عَجَل» در ابتدای آیه به صورت مجرد آمده ولی در انتهای آیه، وقتی انکار کافران را می‌بیند، برای القای این صفت منفی، با بردن آن در باب استفعال، علاوه بر ایجاد موسیقی، با افزایش الفاظ، تراکم معنایی ایجاد می‌کند. افزایش الفاظ، با ایجاد امواج صوتی بیشتر، تاثیر مضاعفی بر دستگاه صوتی مخاطب می‌گذارد. این شگرد مراتب شتابزدگی و استعجال بشر را به اوج رسانده و حرص او را به تصویر می‌کشد و مراد خداوند را مبنی بر سرزنش این صفت القا می‌کند. حرف «عین» با صفت شدت و علو (عباس، ۲۱۲)، «جیم» با ویژگی

انفجاری و مجهور (السعران، ۱۴۷/۱)، شدت و اصرار در درخواست عذاب را القا می‌کند و تکرار حرف «لام» که صوتی انحرافی (السعران، ۱۴۱/۱)، است به شکل هنرمندانه‌ای انحراف فکری کفار را نسبت به مرگ و معاد ترسیم می‌کند. در آیه ۴۴ «بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» همخوان «همزه الف» بیشترین تکرار را در بردارد، که القاکننده‌ی صداهاى بلند و خشم بوده و همخوان‌های «تاء، طاء» دارای صفت شدت، به معنی قوت و سختی (عبدالشکور، ۳۴) هستند، این آواها به همراه تکرار استفهام انکاری «أ»، موضوع «نقصان أرض»، عدم غلبه کفار و مشرکین را به زیبایی تفهیم می‌کند و بخوبی با مضمون و مفهوم آیه همخوانی و تناسب دارند، زیرا خداوند سبحان، طول عمر کافران را مهلتی برای ازدیاد گناهانشان قرار داده و هشدار می‌دهد با مرگ و فنا از اطراف زمین می‌کاهد و هیچ‌کس بر او غلبه ندارد. این تکرارها در راستای مفهوم سیاق، ربوبیت و معاد می‌باشد.

۶-۴. تحلیل آوایی در سیاق چهارم: ربوبیت و فرج بعد از شدت برای پیامبران

سیاق چهارم شامل آیات ۴۸ تا ۷۷ می‌باشد. این سیاق به داستان پیامبران و کوشش آنان در انجام رسالت الهی آنان یعنی هدایت انسان می‌پردازد و مصائب و گرفتاری آنان در این راه را یادآور می‌شود. از اعطای تورات و قرآن «وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارَكٍ أَنْزَلْنَاهُ»، و در پی آن به نکوهش منکران می‌پردازد. سپس به احتجاج حضرت ابراهیم با بت‌پرستان، و استدلال‌های منطقی او با مشرکین و اقامه توحید و نفی شرک می‌پردازد و اعطا هدایت و رشد به او، بواسطه لیاقتش می‌پردازد. سپس به سخن ابراهیم در مواجهه با مشرکین اشاره کرده، به آنان هشدار می‌دهد که خالق و ربّ شما و همه جهان‌هستی خداست. و با منطق «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسُئِلُوهُمْ» (الانبیاء، ۶۳)، درصدد آن برآمد که وجدان خفته آنان را بیدار نماید. در ادامه از افکنده شدن ابراهیم در آتش و سرد و سلامت شدن آتش در آیه ۶۹ و بیان ربوبیت الله در عالم و نیز در آیات ۷۱-۷۷ نجات ابراهیم و لوط از آن سرزمین

و بخشیدن اسحاق و یعقوب به وی و اعطای مقام امامت به آنها خبر می‌دهد، آنگاه دادن نبوت و علم به لوط و نجات او از دیار قوم تجاوز پیشه و نجات نوح و پیروانش از طوفان و غرق شدن تکذیب‌کنندگان را حکایت می‌کند و در واقع شکل‌های متعدد ربوبیت الله را بیان کرده است و این خود دلیل است بر این‌که این سوره بر ربوبیت الله تمرکز و تاکید دارد. با توجه به مطالب مذکور آیه کلیدی این سیاق آیه ۷۳ «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» می‌باشد، زیرا در بردارنده کلماتی همچون «أُمَّة»، «هدایت»، «وحي» و «عبادت» است. در این آیه به مقام امامت و رهبری پیامبران بزرگ اشاره می‌کند. در این سیاق واژه «ذکر» و «رب» و «وحي» تکرار شده است و این نشانه پیوستگی و انسجام آیات این سیاق با دیگر سیاق‌هاست. در سیاق‌های قبل به رب و سنت‌های الهی، کمال انسان، مرگ و معاد اشاره شد و در این سیاق به یکی دیگر از جنبه‌های ربوبی یعنی سنت هدایت، اشاره شده است. با توجه به مباحث ذکر شده، کلمات کلیدی این سیاق «ذکر»، «ضلال»، «أُمَّة» و «عابدين»، «رشد»، «نجا» است. چون مطلب کانونی این سیاق، مباحثی پیرامون جلوه‌های ربوبی همچون، ارسال رسل، فرج بعد از شدت برای پیامبران، کتب آسمانی و هدایت انسان است، لذا می‌توان عنوان این سیاق را «ربوبیت و فرج بعد از شدت برای پیامبران» نامید.

خداوند سبحان در آیه ۷۳ «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» با بکارگیری و تکرار همخوان «ا» که مبین صداهاى بلند و هياهُوست (قويمى، ۳۱) با بيانى رسا و فراگير، هدف نهايى ارسال رسل و را القا مى‌نمايد. علاوه بر اين با استفاده از همخوان «هـ» كه داراى رخوت، نرمى و سستى است (معرفت، ۱۳۶) ويژگى‌هاى پيشوايان دينى، همچون عبوديت، نيكوكارى، اقامه نماز و زكات، را، در نهايت نرمى و اخلاق‌مدارى بيان مى‌كند. همچنين با بكارگيرى زياد از حرف «و» ريتم آيه را كند نموده تا مخاطب را به تأمل بيشتر در موضوع واداشته و اين مهم را القا كند كه ثمره مجاهدت‌هاى انسانهاى وارسته و عابد، پيشوايى مردم و رساندن آنان به

هدایت الهی است. آواهای موجود در این سیاق، به همراه تکرار واژگانی همچون «عبد»، «ذکر» و «رب»، بیانگر موضوع کانونی سیاق یعنی «ربوبیت و فرج بعد از شدت برای پیامبران» می‌باشد.

۵-۶. تحلیل آوایی در سیاق پنجم: معیت الهی با پیامبران و بندگان پاک

این سیاق شامل آیه ۷۸ تا ۹۱ می‌باشد که به نحوه زندگی انبیاء در میان مردم و عملکردهای آنها می‌پردازد و آنها را به عنوان الگوهای عملی انسان معرفی می‌کند و افاضات و مواهب الهی به آنان مطرح می‌شود. به داوری داود و سلیمان و اعطای حکمت و دانش به آنان، مسخر کردن کوهها و پرندگان برای داود (طبرسی، ۹۲/۷)، رام کردن تندباد و تسخیر شیاطین و جنیان برای سلیمان می‌پردازد و در ادامه به تضرع ایوب و اجابت دعای او اشاره می‌کند و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را به سبب شکیبایی و شایستگی می‌ستاید، و به آنان نوید «وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (الانبیاء، ۸۶) می‌دهد. سپس دعای ذوالنون و رهانیدن او از اندوه و نیز دعای زکریا و بخشیده شدن یحیی بدو را نقل می‌کند و پاکدامنی مریم و آیت بودن او و فرزندش عیسی علیه‌السلام برای جهانیان را اعلام می‌کند. با توجه به موارد مذکور یکی از آیات کلیدی این سیاق، آیه ۷۹ «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ» می‌باشد. زیرا موهبت‌های حضرت سلیمان و داوود را متذکر می‌شود و با گزینش هدفمند، کلماتی مانند «فَفَهَّمْنَاهَا»، «آتَيْنَاهُ»، «سَخَّرْنَا»، «حُكْمًا»، «يُسَبِّحْنَ»، بیانگر عنایات اعطایی خداوند به بندگان می‌باشد، لذا با توجه به اهمیت این موضوع، می‌تواند آیه کلیدی محسوب شود. آیه ۸۳ و ۸۴ «وَإِيُّوبَ إِذِ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِيَ الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ». کلیدی هستند. در این آیه به سرگذشت حضرت ایوب (ع) و ابتلاءات او و درخواستش از خداوند اشاره می‌کند. ایوب (ع) با توصیف پروردگار به «ارحم الراحمين» و عدم تصریح بر

درخواست خویش از سویی رضای خود به رضای الهی را اعلام نموده و از سوی دیگر به رحمت الهی پناه برده است و امید و اعتمادش را بر ساحت حق تعالی این‌گونه بیان می‌کند. (نعمتی، ۴۴) و خدای تعالی دعایش را مستجاب نمود و از مرض نجاتش داد و اموال و اولادش را با چیزی اضافه‌تر به او برگردانید. (طباطبایی، ۴۴۳/۱۴) نکته قابل توجه اینکه در این آیه حضرت ایوب خدا را با واژه "رب" می‌خواند، که کارش تربیت و کمال بشر است. آیه کلیدی دیگر، آیه ۸۷ و ۸۸ «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» می‌باشد. در این آیات به گوشه‌ای از سرگذشت ذوالنون و دعای او به درگاه الهی می‌پردازد، سپس به استجابت دعای او اشاره می‌کند این آیه می‌تواند از آیات کلیدی باشد زیرا یکی از جلوه‌های ربوبی خداوند نسبت به بندگان را دربردارد. آیه کلیدی دیگر، آیه ۹۰ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» می‌باشد. این آیه پاسخ خداوند سبحان به درخواست زکریا است. سپس به صفات برجسته این خانواده اشاره می‌کند. خداوند سبحان در این آیه و آیات بعد، با گزینش کلماتی مانند «فاستجبنا» و تکرار فعل اخیر در ارتباط با انبیاء مختلف، تعامل پیوسته با بندگانش را به زیبایی تمام القا می‌کند. لذا این آیه نیز از آیات کلیدی این سیاق بوده و ارتباط مفهومی با موضوع محوری سوره دارد. با توجه به مطالب مذکور واژگان کلیدی در این سیاق «نادی، فهمنا، فاستجبنا، يدعوننا، ذکری، رهبا، نفخنا روحنا» می‌باشد که با توجه به القای معانی خاص، به شیوه‌ای هنرمندانه در کنار هم قرار گرفته‌اند. از طرفی واژه «رب» در این سیاق سه بار تکرار شده است که با موضوع محوری سوره ارتباط دارد. با توجه به مباحث مذکور در این سیاق «معیت الهی با پیامبران و بندگان پاک»، عنوان مناسبی برای این سیاق می‌باشد. خداوند سبحان در این سیاق برای بیان نحوه زندگی انبیاء و بندگان پاک و عملکرد آنان، گستردگی و رحمت و مواهب بی‌انتهای الهی، از همخوان «ا» که برای بیان صداهای بلند و هیاهو

(قویمی، ۳۱)، همخوان «نون» با ویژگی انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) و همخوان «میم» با ویژگی گستردن، امتداد، و انفتاح (عباس، ۷۱) استفاده کرده است. همچنین با بکارگیری زیاد از تشدید و واکه‌های کشیده «ا» در آیه ۷۹ «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ»، که بیانگر صدهای بلند (قویمی، ۳۱) است، و تکرار زیاد حرف «نون» که دربردارنده صمیمیت، انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، معنی مورد نظر خود را مبنی بر عطایای خاصش بر این پیامبران، به زیبایی القا می‌کند. علاوه بر این، تکرار حرف «و» سرعت قرائت کلام را گرفته و ریتم را کند کرده است تا با تانی و تأمل بیشتر، افاضات و عنایات ربوبی نسبت به بندگان ملموس‌تر گردد.

در آیه ۸۳ «وَإِيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»، تکرار حروف «سین» و «حاء» که دارای صفات همس و رخوت و حرف «راء» که مجهور بین شدت و رخوت است نرمی و لطافت خاصی را در جهت معنای آیه القا می‌کند. همچنین تکرار حرف «نون» که دارای ویژگی صمیمیت، انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، حس خوبی را دربرداشته و حالت دعایی و تضرع حضرت ایوب را به درگاه خدای اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ به زیبایی ترسیم می‌کند. علاوه بر تکرار حروف، تکرار واژه «رحم» در این آیه، عطف و مهربانی بی‌بدیل خداوند را دو چندان می‌کند. این تکرارها در حروف و واژه، علاوه بر خلق موسیقی، در جهت القای مفهوم سیاق و تعامل پیوسته خداوند با بندگان تأثیری دو چندان دارد. علاوه بر این، بین دو واژه «اَرْحَمُ» و «الرَّاحِمِينَ»، جناس اشتقاق برقرار است. (صابونی، ۲/۲۵۴) این آرایه علاوه بر زیبایی، سبب برجسته شدن عبارت مذکور شده، بر رحمت بی‌انتهای خداوند تأکید می‌کند. در واژه «رحم»، حرف «راء» دارای صفت تکریر است که نشانگر دائم‌الرحمه بودن خداوند، و حرف «حاء» دارای خصیصه احساسات انسانی (عباس، ۱۸۰) و حرف «میم» با ویژگی گسترش و امتداد (عباس، ۷۱) به زیبایی غیرقابل وصف و پراحساس، رحمت گسترده پروردگار عالم را در

اعلی درجه آن ترسیم می‌کند. در این آیه خداوند با استفاده از همخوان‌های پراحساس و معنادر، بردن واژه «رحم» به باب افعّل تفضیل و استفاده هدفمند از واژه «ربّ» و جناس حاصله، درصدد القای مفهوم سیاق و سوره است. تکرار ربّنا و ربّ دل را نرم می‌کند و طراوت ایمان را در آن برمی‌انگیزاند.

در آیه ۸۷ «وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» تکرار آوای (ز)، در حروف (ذال- ضاء- ظاء) که دارای ویژگی اضطراب و شدت (عباس، ۶۵)، استعلا و جهر است، و هنگام تلفظ (ظ- ذ)، هوا از منفذ تنگی عبور می‌کند (ستوده‌نیا، ۱۴۵)، طنین دهشتناک تاریکی و ظلمت سه‌گانه‌ی تاریکی شب، دریا و شکم نهنگ را القا می‌کند و از طرف دیگر تکرار هفده مرتبه‌ای همخوان «نون» با خاصیت آوایی جهری که هنگام خروج همراه با حبس شدن نفس می‌باشد، سنگینی و شدت تاریکی و فضای سهمگین فراگرفته اطراف حضرت یونس را بیشتر می‌کند. اما بعد از عبور از عبور از فضای سنگین و متراکم ظلمات سه‌گانه، در عبارت «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» لحن نرم می‌شود، «آوای زیبایی از «لا» اوج می‌گیرد و با توالی حرف «لام» با موسیقی خاصی بلند می‌شود و در پایان با «انت» استقرار می‌یابد.» (فراسخ‌خواه، ۱۳۱)، و وجود انسان را سرشار از آرامش و اطمینان می‌کند و بدنبال این دعای خالصانه اجابت قطعی با عبارت «فاستجبنا»، محقق می‌شود. این شیوه بیان، به زیبایی تمام، جلوه‌هایی از افاضات و عنایات ربوبی نسبت به بندگان را منعکس می‌کند. در این آیه، علاوه بر تکرار حروف، واژه «ظلم» نیز تکرار شده است. خداوند متعال با تکرار هدفمند حروف و واژگان مناسب و با استفاده از سرگذشت یک پیامبر، منظور خود را در غالب زیباترین آرایه‌ها به مخاطب القا نموده و طرز دستیابی به عالی‌ترین مباحث اخلاقی «رجوع به نفس، اقرار به ظلمات نفسانی، توبه» و طریقه‌ی تعامل با خویش را به انسانها می‌آموزد. علاوه بر این، جناس حاصله دو واژه «الظُّلُمَاتِ» و «الظَّالِمِينَ» علاوه بر اینکه دو مفهوم را به طرزی معنادار به هم پیوند زده، بر زیبا نمودن آیه و ریتم و لحن آیه نیز تأثیر گذاشته است.

ماجرای استجابت رسولان و تعامل خداوند با پیامبران در آیه ۸۸ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»، با آواهای بلند اما نرم بیان شده است. همخوان «جیم» دربردارنده صفت جهر، به معنی آوای بلند، آشکار و قوی (ستوده‌نیا، ۱۷۳)؛ است، به همراه تکرار ۸ مرتبه‌ای «نون» که مبین صمیمیت و انسانیت (عباس، ۱۵۸) است درصدد القای این مهم است که، خداوند با آوای بلند و در نهایت صمیمیت و محبت یونس را اجابت می‌کند. این حس زیبا و افاضات الهی، با تکرار «و» به اوج می‌رسد و لحن کند می‌شود. تکرار این آواها به همراه تکرار «نجی» در انتقال مفهوم تعامل خداوند با بندگان بسیار اثرگذار است.

در آیه ۹۰ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى وَ اٰصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُوْنَ فِى الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُوْنَآ رَغَبًا وَ رَهْبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ»، واژه کشیده «ا» بسیار زیاد دیده می‌شود که نه تنها زیبایی خاصی را ایجاد کرده، بلکه توجه مخاطب را نیز جلب می‌کند. اما آنچه در اینجا قابل ذکر است، بیان حس خوبی است که نشانه پاسخ مثبت خدای متعال به بنده‌ی درخواست کننده‌اش است و علاوه بر این، همخوان «لام» که نرم و گوش‌نواز است (عبدالشکور، ۳۴) موارد فوق را، بخوبی انتقال می‌دهد. یکی از موارد بسیار زیبا در آیه فوق این است که گویی خداوند سبحان می‌خواهد سخن گفتنش با پیامبر اکرم (ص) را طولانی‌تر کند، به همین دلیل با تکرار واژه «و» و «له» بین جملات، سرعت کلام را کم نموده و افاضات اعطایی به این پیامبر را به تفصیل بیان کند. علاوه بر این، بین دو کلمه «رَغَبًا» و «رَهْبًا»، جناس لاحق برقرار است. خداوند متعال با انتخاب این دو کلمه، ترس و رغبت را به مخاطب منتقل می‌کند یعنی بندگان صالح، خداوند را هم به خاطر عشق به خداوند و هم به خاطر ترس از عذاب ناشی از کنش خویش، می‌خوانند. به این ترتیب حضور آرایه جناس، آهنگی دلنشین به این آیه بخشیده و بیم و امید را توأمان درجان مخاطب فرو می‌ریزد.

۶-۶. تحلیل آوایی در سیاق ششم: وارثان نهایی جهان

این سیاق شامل آیات ۹۲ تا ۱۱۲ می‌باشد. در آیات آغازین، مساله ربوبیت، هدایت،

ارسال رسل، معاد و ارتباطش با انسان مطرح شده و در آیه ۹۴ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ» با عبارت «إِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ»، بر ربوبیت الهی به معنای مراقبت و پرورش و اصلاح، تاکید کرده است. مباحث این سیاق، جمع‌بندی تمام مطالب سیاق‌های پیشین است که برای بشر معبودی است واحد، و آن معبود همان کسی است که آسمانها و زمین را خلق نموده، لذا باید او را با واسطه نبوت، و پذیرفتن دعوت انبیاء، پرستند و با پرستش وی آماده حساب شوند. سپس به عاقبت جهان و معاد، پرداخته و برای شدت بخشیدن به تهدید کافران، ظهور یاجوج و ماجوج را که از «اشرار الساعه» است، مطرح می‌کند و بر بُتها و خدایان دروغین مشرکان سخت می‌تازد. سپس به وراثت زمین توسط صالحان اشاره می‌کند و در پایان، بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را رحمتی برای جهانیان معرفی و او را مأمور دعوت مردم به خدای یگانه می‌داند، آنگاه به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دل‌داری می‌دهد و سفارش می‌کند که دست از کافران بشوید و آنان را به خدای رحمان واگذار. باتوجه به مطالب مذکور، یکی از آیات کلیدی این سیاق، آیه ۱۰۴ «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» می‌باشد، زیرا به واقعه عظیم قیامت و عاقبت جهان پرداخته است. آیه ۱۰۵ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» کلیدی است، زیرا به یکی از سنت‌های الهی مبنی بر حکومت بندگان صالح بر روی زمین اشاره می‌کند کلیدی بودن این آیه در این سیاق، از این جهت است که حکومت بندگان صالح بر زمین، تبلور لطف و رحمتی است که در سایه رسالت بدست می‌آید. آیه ۱۱۲ «قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» کلیدی است، زیرا این آیه که آخرین آیه سوره الانبیاء است همچون نخستین آیه خبر از غفلت و بی‌خبری مردم می‌دهد، با توجه به مباحث مذکور، کلمات کلیدی این سیاق، «نَطْوِي»، «سَجَلٌ»، «كَتَبْنَا»، «الذِّكْرُ»، «يَرِثُ»، «عِبَادِي»، «الصَّالِحُونَ» می‌باشد. از آنجا که مطالب این سیاق در مورد سرانجام جهان و حکومت بندگان صالح بر گستره هستی است، لذا مطلب کانونی سیاق «وارثان نهایی جهان»

است که می‌تواند عنوان سیاق ششم انتخاب شود. خداوند برای بیان حوادث قیامت از آواهای خاصی استفاده فرموده است. در آیه ۱۰۴ «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» آوای انفجاری «طاء» (الحمد، ۲۸۷) و «کاف» (السعران، ۱۲۸/۱) شدت و اضطراب قیامت و آوای صوتی «سین» با صفت امتداد و انتشار (عباس، ۱۰۹)، حشر و نشردر قیامت را طنین‌انداز می‌کند. علاوه بر این حرف «عین» با ویژگی عظمت و علو (عباس، ۲۱۲) گستردگی قدرت خداوند را در آن روز سخت و سهمگین القا می‌کند. این آواها به همراه استفاده ۶ مرتبه‌ای از تشدید، و تکرار واژه «طوی» به شکل بسیار هنرمندانه، حوادث هول‌انگیز قیامت را تصویرسازی کرده است. علاوه بر این، بین «نَطْوِي» و «طَيَّ» آرایه جناس مشهود است. آمدن دو کلمه، از یک ریشه، غرض اصلی آیه را که در هم نوردیدن است از طریق تشبیه، به گونه‌ای ایجازگونه به زیبایی بیان کرده است از طرف دیگر، بکار گرفتن حرف "طا" در کلمات متجانس، که دربردارنده حالت شدت و جهر است با مفهوم آیه تناسب و مطابقت ایجاد کرده است. این آرایه کاملاً هدفمند صورت گرفته، تا علاوه بر برجسته‌سازی و خلق موسیقی، صحنه‌های قیامت را ملموس‌تر کرده، تا حس شنیداری و حتی بینایی خواننده اهل ذوق را به خود جلب کند. در آیه ۱۰۵ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» صدای آوای «زاء» در حروف «ذ-ض-ز» با ویژگی شدت (عباس، ۶۵)، استعلا و جهر به معنی آوای بلند و آشکار، قوت (ستوده‌نیا، ۱۷۴) است. این آواها با بیانی حتمی و قطعی، با صدایی بلند، آشکار و فراگیر، پیروزی عباد صالح، که وارثان نهایی جهان هستند را القا می‌کند. علاوه بر این، تکرار همخوان «راء» با صفت تکریر، مبین این معناست که این نوید در کتب آسمانی پیشین هم بیان شده است. در کنار همه این آواها، تکرار نون که دلالت بر صمیمیت و انسانیت (عباس، ۱۵۸) دارد، حس امنیت و آرامش را به واسطه این سنت زیبای الهی به مخاطب القا می‌کند. در قسمت اول آیه ۱۱۲ «قَالَ رَبُّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» تکرار همخوان «قاف»، با صفت جهر به معنی قوت

و آوای بلند و آشکار (ستوده‌نیا، ۷۳)، همخوان «باء» با صفت شدت و همخوان «حاء» که بر حالت نفسانی عمیق (فلاح، پوردانش، ۱۳۱) دلالت می‌کند، بخوبی توانسته است غرض خداوند را در درخواست داوری نبی اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، القا کند. در قسمت دوم آیه «وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» تکرار نون که مبین صمیمیت، انسانیت و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است به همراه همخوان «باء» که دارای صفت شدت است، ربوبیت الهی را به همراه رحمت و اسعایش القا می‌کند. این آواها به همراه تکرار واژه «رب»، دل را نرم، و تأثیر زیادی بر جان شنونده دارد. در قسمت اول، نبی اکرم (ص) رب را به خود، و در قسمت دوم رب را به خود و همه منتسب می‌کند، در حقیقت با کلمه «ربنا» آنها را به این واقعیت توجه می‌دهد که ما همه مربوب و مخلوقیم، و او خالق و پروردگار همه ما است. توجه به تکرار این واژه در کل سوره و اتمام سوره با دو بار تکرار این واژه، به خوبی موضوع محوری این سوره که ربوبیت حق تعالی است را تبیین نموده است.

تحلیل آوایی آیات کلیدی سوره الانبیاء نشان می‌دهد همه آواهای سوره در راستای پیام و موضوع اصلی سوره یعنی تبیین ربوبیت الله و نحوه تعامل با انسان است و این از اعجاز بیانی قرآن کریم است که حتی از طریق دلالت‌های آوایی الفاظ، غرض سوره را یعنی اصلاح بینش و کنش انسان در باره ربوبیت الله را تأمین می‌کند.

۷- نتایج مقاله

۷-۱- آواها با موسیقی و آهنگ خاصی که به واژگان می‌دهند قادرند در سخنان ادبی نقش مهمی را در انتقال پیام بر عهده بگیرند. علاوه بر جنبه زیباشناختی موسیقی آواها، فنوسمانتیک به الفاظ به عنوان عناصر درون متنی از حیث آوا و دلالت‌های آوایشان توجه می‌کند. نحوه گزینش و چینش کلمات، دلالت‌های آوایی را تولید می‌کند که همان لحن کلام است و لحن کلام بار معنایی خاصی را با خود به کلام می‌افزاید و نحوه گزینش و چینش حروف (همخوانها) و حرکات (واکه‌ها) و برخی صنایع لفظی، ریتم کلام را تولید می‌کند و

شناخت لحن و ریتم کلام در کشف مقصود گوینده بسیار موثر است.

۷-۲- در سوره الانبیاء با توجه به مکی بودن و اشتغال بر موضوعاتی از جمله اثبات توحید و نفی شرک، ربوبیت عرش و معاد، لحن غالب، سریع و کوبنده است مانند «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (الانبیاء، ۱۸) که با استفاده از حرف مکرر «قاف» با ویژگی شدت، درهم کوبیده شدن باطل را القا می‌کند که این لحن‌ها در راستای تاکید موضوع و پیام اصلی سوره یعنی ربوبیت و انسان می‌باشد.

۷-۳- تحلیل آیات کلیدی در سیاق‌های سوره الانبیاء نشان می‌دهد، آواها با معانی در ارتباطند و در هر سیاق با توجه به مضمون آن سیاق، آواها تغییر کرده‌اند، به عنوان مثال آواهایی که برای بیان حوادث قیامت بکار رفته با آوای به کار رفته در دعا متفاوت است. مثلاً در «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (الانبیاء، ۱۰۴) که آوای انفجاری «طاء» و «کاف» شدت و اضطراب قیامت و آوای صوتی «سین»، امتداد و انتشار، حشر و نشر قیامت و حرف «عین» با صفات علو، قطعیت، عظمت و گستردگی قیامت و قدرت خداوند را القا می‌کند.

۷-۴- به کار بردن آواهای نرم و لطیف، موضوع مهمی را در نهایت لطافت و زیبایی بیان می‌کند مانند «وَ أَتُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (الانبیاء، ۸۳) حرف «سین» و «حاء» با صفت همس و رخوت و «راء» بین شدت و رخوت، «نون» با ویژگی صمیمیت و انسانیت، استقرار و جاری شدن، حالت دعایی و تضرع حضرت ایوب را به درگاه خدای اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ به زیبایی ترسیم می‌کند.

۷-۵- قرآن کریم، مطالب مهم را با آواهای مجهور و بلند بیان کرده تا اهمیت مطلب نشان داده شود مانند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۱۰۵) که صدای آوای «زاء» در حروف «ذ-ض-ز» با شدت، استعلا و جهر، «راء» با صفت تکریر، «نون» با صفت صمیمیت و انسانیت، پیروزی عباد صالح، که وارثان نهایی جهان هستند را القا می‌کند.

۶-۷- تحلیل آوایی آیات کلیدی سوره الانبیاء نشان می‌دهد همه آواهای سوره در راستای غرض سوره یعنی تبیین ربوبیت الله و متعاقب آن اصلاح بینش و کنش انسان درباره ربّ و ربوبیت، تنظیم شده‌اند و این امر نشان دهنده اهمیت القای پیام در قرآن کریم و کاربست همه شیوه‌های بیانی لازم در این راستاست و یکی از مهمترین این شیوه‌ها آوامعنایی یا فنوسمانتیک است که در حقیقت بهره‌گیری از صفات حروف در راستای القای هرچه کامل‌تر و بلیغ‌تر پیام است که این خود از کیفیت‌گزینش و چینش حروف و حرکات حاصل می‌شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن‌الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، درآمدی بر علم تجوید، قم، حضور، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن‌عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، لبنان - بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۴. پاکتچی، احمد، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ ش.
۵. حمد، غانم قدوری، بی‌تا، دراسات الصوتیه عند علماء التجوید، بی‌جا، دار عمار.
۶. خامه‌گر، محمد، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۲۰۱۸ م.
۷. خرقانی، حسن، عوامل پدید آورنده ضرب‌آهنگ در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸۴، ص ۴ تا ۲۷، ۱۳۹۶ ش.
۸. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۹. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دارالفکر، سوریه - دمشق، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۰. زیبایی، منیر و سیدحسین حسینی، تحلیل کارکرد ساخت آوایی در سوره محمد در القای معنا، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ششم، شماره اول، ص ۷۳ تا ۹۴، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. سادات فاطمی، سیدجواد، پژوهشی در وقف و ابتداء، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲.
۱۲. ستوده‌نیا، محمدرضا، بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی، تهران، رایزن، ۱۳۷۸.
۱۳. سمران، محمود، علم اللغة مقدمة للقراری العربی، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۷ م.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان - بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۱۵. صابونی، محمدعلی، صفوة التفاسیر، لبنان - بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۱۶. صافی، محمود، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة، سوریه، دمشق، دارالرشید، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۷. صبحی الصالح، مباحث فی علوم القرآن، الطبعة: الطبعة الرابعة والعشرون كانون الثاني / يناير ۲۰۰۰، الناشر: دارالعلم للملایین (کتابخانه مدرسه فقاها).
۱۸. صفوی، کورش، درآمدی بر زبان‌شناسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. طبرسی فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، حسین نوری همدانی، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۱. عباس، حسن، خصائص الحروف و معانیها، اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۸۹ م.
۲۲. علامی، ابوالفضل، پژوهشی در علم تجوید، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. عمران‌پور، محمدرضا، عوامل «ایجاد»، «تغییر و تنوع» و «نقش» لحن در شعر، پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰ ص ۱۲۷ تا ۱۵۰، ۱۳۸۴.
۲۴. فراستخواه، مقصودزبان قرآن، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۲۵. فلاح، ابراهیم و سجاد شفیع‌پور، کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات)، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۳، ص ۴۱ تا ۶۴، ۱۳۹۴ ش.
۲۶. فلاح، عبدالشکور، زینه القرآن، مشهد، آستان قدس، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. فلاح، ابراهیم، سجاد پوردانش، تناسب آوایی محتوایی (فونسماتیک) در آیات قرآن با بررسی مواردی از سوره واقعه، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۲۹ تا ۱۵۲، ۱۳۹۶.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، مصر - قاهره، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۲۹. قطب‌سید، فی ظلال القرآن، لبنان - بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۳۰. قهرمانی‌نژاد شایق، بهاء‌الدین و محمد جواد جاوری، بررسی اعجاز لفظی و هنری قرآن کریم و ارتباط آن با آوامعنائی، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱۲۷ تا ۱۵۵، ۱۳۹۵.
۳۱. قومی، مهوش، آوا و القا رهیافتی به شعر اخوان ثالث، تهران، هرمس، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. کواز، محمد کریم، سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
۳۳. مدرسی قوامی، گلناز آواشناسی بررسی علمی گفتار، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. معرفت، محمدهادی، تناسب آیات، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۵. نعمتی بیرعلی، دل آرا، جلوه‌های تربیت در دعاهاى قرآنی، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۴۴، ص ۶۷ تا ۸۶، ۱۳۸۷.